



بررسی فیلم سینمایی مظنون اکس

آیا یک فرد می تواند در یک زمان در دو مکان باشد؟

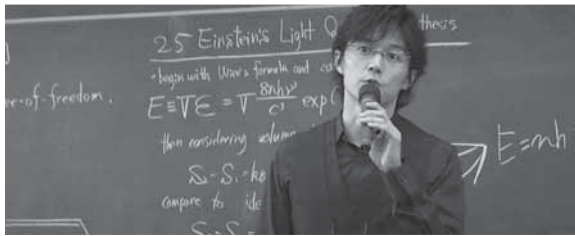
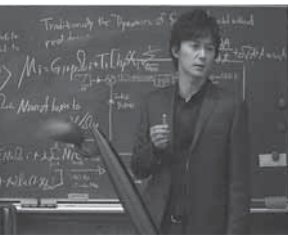
سابق به دست زن. تتسو یا ایشیگامی ریاضی دان که متوجه سروصدای بیش از حد و نامتعارف خانه یاسوکو هانا آکا شده است، به خانه او مراجعه می کند و متوجه ماجرای اتفاق افتاده می شود. بعد از این ماجرا، نیروی پلیس جسد مردی را پیدا می کند و تحقیقات به منظور پی بردن به انگیزه قتل و شناسایی قاتل توسط نیروهای انتظامی آغاز می شود. در همین زمینه سؤالاتی از تتسو یا ایشیگامی و یاسوکو هانا آکا به عمل می آید.

به موازات این صحنه ها، استاد فیزیکی به نام مانابو یوکاوا^{۱۱} که همسرش در نیروی پلیس مشغول انجام وظیفه و درگیر پرونده قتل رخ داده است و به عنوان یک نظریه پرداز روی مباحث فیزیک فعالیت می کند، در مورد این پدیده که یک فرد چگونه می تواند در یک زمان در دو مکان باشد و نیز استفاده از «منطق»^{۱۲} در مفاهیم

تتسو یا ایشیگامی^{۱۰}، ریاضی دان نابغه ای است که در منزل خود و در میان کتابها، جزوات و یادداشت های بی شمارش زندگی را در انزوای کامل، مانند یک جامعه گریز تمام عیار، سپری می کند و به عنوان معلم دبیرستان مشغول تدریس است. در همسایگی او، زنی به نام یاسوکو هانا آکا^{۱۱} و دخترش زندگی می کنند که مدام این دو از جانب شوهر سابق زن، به منظور دریافت پول از آنها مورد آزار و اذیت قرار می گیرند.

در یکی از روزهایی که شوهر سابق برای اخذی به منزل آنها مراجعه می کند، دختر بچه از شدت ناراحتی و عصبانیت از دست کارهای پدرش به او حمله ور می شود که پدر نیز در پاسخ به حرکت دخترش، وی را تا سرحد مرگ کتک می زند. در همین هنگام مادر دختر برای کمک به فرزندش وارد درگیری می شود و نتیجه چیزی نیست جز قتل شوهر

- اسم فیلم: مظنون اکس^۱
- کارگردان: هیروشی نیشیتانی^۲
- نویسنده: یاسوشی فوکودا^۳
- براساس رمان مظنون ایکس اثر کیگو هیگاشینو^۴
- بازیگران: ماساهارو فوکویاما^۵، کوشیاساکی^۶، شینچی تسوتومی^۷ و یاسوکوماتسو یوکی^۸
- موسیقی: کانو یوگو^۹ و ماساهارو فوکویاما
- تاریخ اکران: ۴ اکتبر ۲۰۰۸ در ژاپن، ۲۴ دسامبر ۲۰۰۸ در هنگ کنگ، ۲۶ فوریه ۲۰۰۹ در سنگاپور و ۹ آوریل ۲۰۰۹ در کره جنوبی
- مدت فیلم: ۱۲۸ دقیقه
- محصول: ژاپن
- زبان: ژاپنی



یا هوش احساسی) برمی گردد. ممکن است فردی با ضریب هوشی (I.Q) بالا یا بسیار بالا، عملاً در پاره‌ای از موارد نابخردانه و غیرمنطقی، مانند آنچه که در این فیلم تتسویا ایشیگامی انجام می‌دهد، رفتار کند. بنابراین می‌توان پاسخ این سؤال را که چرا باید فردی که در رشته‌ای که تماماً با منطق و استدلال سروکار دارد و در آن به مرحله‌ی استادی تمام و کمال رسیده است، دچار اشتباهی چنین بزرگ و مهلک شود، در صحنه‌هایی جست‌وجو کرد که به عدم وجود هوش هیجانی لازم و کافی در تتسویا ایشیگامی اشاره دارد.

روند فیلم ادامه پیدا می‌کند تا اینکه متوجه می‌شویم که ریاضی‌دان در پنهان کردن جسد شوهر یاسوکو هاناکا با وی همکاری کرده است و در این بین، برای اینکه مأموران بررسی و تحقیق این پرونده گمراه شوند، یک بی‌خانمان را به قتل رسانده است و با سوزاندن دست‌ها و پاهای او و نیز از بین بردن چهره

کاربردی فیزیک، مطالبی را بیان می‌کند. هنگامی که همسر مانابو یوکاوا با وی در مورد این پرونده

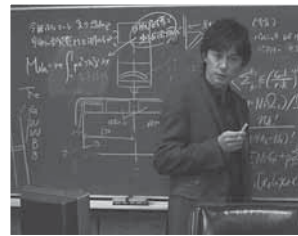
صحبت می‌کند، متوجه می‌شود که یکی از مظنونین اصلی در این رخداد هم‌کلاسی سابق و با استعداد او در دوران دانشگاه، همان تتسویا ایشیگامی است. این موضوع باعث می‌شود که مانابو یوکاوا فیزیک‌دان به ملاقات دوست ریاضی‌دان خود، تتسویا ایشیگامی برود.

مانابو یوکاوا در دانشگاه با چند مسئله پیکار جو برخورد کرده است که برای غلبه بر آن‌ها می‌باید از مفاهیم ریاضی استفاده کند. به همین دلیل وی یک شب به منزل دوست ریاضی‌دان خود می‌رود و آن‌ها را با او در میان می‌گذارد. تتسویا ایشیگامی موفق می‌شود آن مسائل مشکل‌آفرین را ظرف شش ساعت حل کند و شب را تا صبح به بیداری و بررسی آن‌ها می‌گذراند، در حالی که دوست فیزیک‌دان او در خواب به سر می‌برد. این صحنه به این نکته اشاره دارد که هر چیزی در زندگی روزمره انسان‌ها دارای جایگاه ویژه خود است، به گونه‌ای که فیزیک‌دان شب را به خواب و استراحت می‌پردازد، در حالی که دوست ریاضی‌دان وی شب را به بیداری می‌گذراند تا مسائل او را حل کند. از اینجا نبود منطق در کار تتسویا ایشیگامی مشخص می‌شود.

این بی‌خانمان نگون‌بخت، قصد داشته است تا این جسد را به‌عنوان جنازه مقتول اصلی جایگزین کند. اما اشتباهات تتسویا ایشیگامی که نبوغ و استعداد بی‌حد و حصر ریاضی او در این فیلم هویداست، به اینجا ختم نمی‌شود. او با پذیرفتن مسئولیت انجام قتل اول و محکوم شدن به انجام قتل دوم، دچار سرنوشت بدی می‌شود.

اما اگر بخواهیم این موضوع را بررسی کنیم که چرا چنین نابغه‌ای می‌باید در چنین منجلابی گرفتار شود، باید اذعان کنیم که ممکن است فردی از «ضریب هوشی» (I.Q) بسیار بالایی در زمینه‌ای خاص، مانند ریاضی، فیزیک، اقتصاد و... برخوردار باشد، اما دلیل و تضمینی وجود ندارد که این فرد در زندگی روزانه و عمومی خود نیز فردی کارا و قابل باشد. چرایی و چگونگی این موضوع به بحث هوش هیجانی (هوش عاطفی

صحنه‌ای از این فیلم اشاره به تفاوتی دارد که بین یک فیزیک‌دان و یک ریاضی‌دان در مواجهه با مسائل پیش روی‌شان وجود دارد. هر یک از آن‌ها با دیدگاه، بینش و جایگاه فکری خود با مسائل برخورد می‌کنند. به همین دلیل است که هیروشی نیشیتانی، در مقام کارگردان فیلم، سعی کرده است که به تشریح برخی از نظریه‌های فیزیک در چارچوبی کاربردی و کارا در زندگی روزانه انسان‌ها در قالب شخصیت مانابو یوکاوا بپردازد و استعداد ریاضی



شخصیت دور افتاده از اجتماع تنسویا ایشیگامی و عدم استفاده بهینه از هوش هیجانی در وی را مورد انتقاد قرار دهد. بنابراین، در ادامه برای آشنایی هر چه بیشتر ریاضی آموزان با بحث هوش هیجانی (هوش عاطفی یا هوش احساسی) و استفاده ارزشمند از آن در زندگی شان، به معرفی عوامل مؤثر در آن می پردازیم.

استفاده از هوش هیجانی توسط مانابو یوکاوا فیزیکدان و بی توجهی به آن توسط تنسویا ایشیگامی ریاضی دان، در این فیلم تابان تر از خورشید است. هوش هیجانی - که ضریب آن با EQ نشان داده می شود - شامل شناخت و کنترل عواطف و هیجان های خود است. به عبارت دیگر، شخصی که ضریب هوش احساسی بالایی دارد، سه مؤلفه هیجان ها (مؤلفه شناختی، مؤلفه فیزیولوژیکی و مؤلفه رفتاری) را به طور موفقیت آمیزی با یکدیگر تلفیق می کند.

عوامل مؤثر در هوش هیجانی

۱. شناخت عواطف شخصی:

خودآگاهی (تشخیص هر احساس به همان صورتی که بروز می کند)

سنگ بنای هوش هیجانی است. توانایی نظارت بر احساسات در هر لحظه، برای به دست آوردن بینش روان شناختی و ادراک خویشتن نقشی تعیین کننده دارد. ناتوانی در تشخیص احساسات راستین، ما را به سردرگمی دچار می کند. افرادی که نسبت به احساسات خود اطمینان بیشتری دارند، بهتر می توانند زندگی خویش را هدایت کنند. این افراد درباره احساسات واقعی خود در زمینه اتخاذ تصمیمات شخصی، از انتخاب همسر آینده گرفته تا شغلی که برمیگزینند، احساس اطمینان بیشتری دارند.

۲. به کار بردن درست هیجان ها:

قدرت تنظیم احساسات خود، نوعی توانایی است که بر حس خودآگاهی تکیه دارد و شامل ظرفیت شخص برای تسکین دادن خود، دور کردن اضطراب ها، افسردگی ها یا بی حوصلگی های متداول و پیامدهای شکست در این مهارت عاطفی است. افرادی که در این توانایی ضعیف هستند، دائماً با احساس ناامیدی و افسردگی دست به گریبان اند، در حالی که افرادی دارای مهارت زیادی در آن، با سرعت بسیار بیشتری می توانند ناملازمات زندگی را پشت سر بگذارند.

۳. برانگیختن خود:

برای عطف توجه، برانگیختن

شخصی، تسلط بر نفس خود، و خلاق بودن، لازم است سکان رهبری هیجان ها را در دست بگیرید تا بتوانید به هدف خود دست یابید. خویشتن داری عاطفی (به تأخیر انداختن کامرواسازی و فرونشاندن تکانش ها) زیربنای تحقق هر پیشرفتی است. توانایی دستیابی به مرحله غرقه شدن در کار، انجام هر نوع فعالیت چشم گیر را میسر می سازد. افراد دارای این مهارت، در هر کاری که برعهده می گیرند، بسیار مولدو اثربخش خواهند بود.

۴. شناخت عواطف دیگران:

همدلی، توانایی دیگری که بر خودآگاهی عاطفی متکی است، اساس «مهارت ارتباط با مردم» است. افرادی که از همدلی بیشتری برخوردار باشند، به علائم اجتماعی ظریفی که نشان دهنده نیازها یا خواسته های دیگران است، توجه بیشتری نشان می دهند. این توانایی آنان را در حرفه هایی که مستلزم مراقبت از دیگران است (مانند تدریس، فروش و مدیریت) موفق تر می سازد.

۵. حفظ ارتباط ها:

بخش عمده ای از هنر برقراری ارتباط، مهارت کنترل عواطف در دیگران است؛ مانند صلاحیت یا عدم صلاحیت اجتماعی و مهارت های خاص لازم آن. این ها توانایی هایی هستند که محبوبیت، رهبری و اثربخشی بین فردی را تقویت می کنند. افرادی که در این مهارت ها توانایی زیادی دارند، در هر آنچه که به کنش متقابل آرام با دیگران باز می گردد، به خوبی عمل می کنند، آنان ستاره های اجتماعی هستند

* پی نوشت ها

1. Suspect X
2. Hiroshi Nishitani
3. Yasushi Fukuda
4. Keigo Higashino
5. Masaharu Fukuyama
6. Kou Shibasaki
7. Shinichi Tsutsumi
8. Yasuko Matsuyuki
9. Kanno Yugo
10. Tetsuya Ishigami
11. Yasuko Hanaoka
12. Manabu Yukawa
13. Logic